

## ۲۹ اسد صفحه سیاہ دیگر در تاریخ افغانستان

بتاریخ (۲۹ اسد ۱۳۸۸هـ ش) که مصادف به ۲۰ اگست ۲۰۰۹ بود انتخابات ریاست جمهوری و شوراهاى ولایتی که نباید بنا بر ناسازگار بودن شرایط در کشور براه انداخته میشد با وقاحت و قیاحت تام بعد از صرف صدها میلیون دالر انجام و ملت مظلوم و ستمدیده افغان را یکبار دیگر به آینده سیاہ و تاریک مستغرق ساخت اما دشمنان ملت نجیب و شریف افغان علرغم شهادت ۲۷ تن و مجروح شدن ۵۲ تن نظامی و غیر نظامی- جنگ علنی در قندز- بیش از ۱۳۸ حادثه دیگر روز انتخابات در مرکز کابل و ولایات- بی عدالتی ها- تخطیها- تخلفها ها و تقلبهای بیشماری در پروسه انتخابات از شفافیت و مشروعیت انتخابات- آزادی و دیموکراسی حرف بر لب می آورند و بنام اینکه ملت در شرایط نا امن اراده خود را بصورت آزاد در فضای دیموکراسی به کاندید مشخص خود ابراز و در پای صندوقها رفتند و رای خود را ریختند مؤفقت بزرگ برای ملت افغان و تطبیق دیموکراسی دانسته و تبریک گفتند. با عرض معذرت من ندانستم که مطلب از شفافیت- مشروعیت- اراده آزاد و فضای دیموکراسی که دشمنان ما در وطنما از آن حرف میزدند و میزنند چیست؟

آیا همین آزادی و دیموکراسی است که به استثنای تعداد محدود از آرزومندان آزادی- صلح - امنیت و حاکمیت قانون اکثریت ملت فقیر و مظلوم افغان که در پائین ترین سطح زندگی در جهان قرار دارند و از تمام نیازمند یهای اولیه حیاتی بکلی محروم اند خلاف اراده خود خاص برای بقای خود و فامیل خود توسط زرداران- زورداران- قاچاقبران مواد مخدره - ناقضین حقوق بشر و جنایتکاران به صندوقهای رای گیری کشانیده شدند و رای شان را به نفع خود و یا کاندید خود گرفتند؟

آیا مردها حق دارند و مشروع است که به نمایندگی زن و یا چندین زن خلاف اراده آزاد زن و یا زنها اراده خود را در فورمه های رایگیری منعکس و به شخص مورد نظر خود رای بدهند؟  
آیا اطفال که به سن قانونی نرسیده بودند با گرفتن کارت بدون فهم و دانش از انتخابات آزاد و اهداف کاندید مورد نظر رای خود را به هدایت آغا یا مربی خود در صندوقها ریختند مشروع و دیموکراسی است؟  
آیا مانع شدن خبرنگاران از نشر حوادث در روز انتخابات دیموکراسی و آزادی است؟  
آیا پر شدن صندوقها بصورت غیر مشروع در خارج حوضه های انتخاباتی شفافیت - آزادی و دیموکراسی است؟  
آیا رای دهی یک الی پنج فیصد از مجموع تعداد راجستر شده برای رای دهی در مناطق جنوب و جنوب شرقی مشروع - عدالت اجتماعی - حاکمیت ملی و آزادی است.

آیا در کشوری که امنیت وجود نداشته باشد - قانون حاکم نباشد - احصائیه نفوس نباشد- ملت تذکره تابعیت نداشته باشد - احزاب سیاسی ملی با شعور نباشد و در عوض تمایلات قومی- مذهبی- منطقوی و زبانی اهمیت داشته باشد - قوای نظامی خارجی - جنایتکاران و ناقضین حقوق بشر سرنوشت ساز کشور و ملت باشند - فساد اداری غیر قابل تصور در سراسر کشور حاکم باشد و بالاخره کشوری در حال اشغال که آزادی - استقلال و حاکمیت ملی نداشته باشد میتواند انتخابات شفاف - مشروع - آزاد و دیموکراتیک باشد؟

نخیر به عقیده نویسنده هیچگاه مشروع - شفاف - آزاد و دیموکراتیک شده نمیتواند بلکه صفحه سیاہ دیگری بعد از کودتای خونین (۱۹۷۸م) - تجاوز قشون سرخ اتحاد جماهیر شوروی وقت (۱۹۷۹م) به قدرت رسیدن جنایتکاران تنظیمی (۱۹۹۲م) و طالبان وارد شده (۱۹۹۶م) - کانفرانس بن (۲۰۰۱م) - حکومت مؤقت مصلحتی حامد کرزی - لویه جرگه تصویب قانون اساسی و انتخاب رئیس جمهور دوره انتقالی و انتخابات اول ریاست جمهوری (۲۰۰۴م) در تاریخ کشور عزیز ما افغانستان گشوده شد. چه افغانستان آن کشوری نیست که سی و یکسال قبل در جهان بحیث یک کشور آزاد و سر بلند با ملت واحد و یک پارچه در قطار کشورهای آزاد دیگر قرار داشت یعنی در سی و یکسال اخیر خاصاً در هشت سال اخیر بعد از کانفرانس بن سرنوشت ملت افغان در دست نظامیان سی و شش کشور که حضور فزینی در افغانستان دارند - در اکثر مناطق مخالفین مسلح در مقابل اشغالگران بشدت تام جریان دارد- زورداران و زرداران داخلی و خارجی که با دالر و سلاح قدرت را پیش میبرند - جنایتکاران و ناقضین حقوق بشر که از طرف باداران خارجی شان حمایه و تمویل میشوند - دهشت افگنان و تروریستهای خارجی که از طرف دول همسایه و مافیائی تولید و قاچاق مواد مخدره تربیه و تمویل میگردند - دول کشورهای منطقه خاصاً همسایگان افغانستان که برای منافع خود آب را گل آلود و ماهی میگیرند - در شرایطی که شیرازه وحدت ملی بکلی از هم پاشیده شده و دشمنان حاکمیت ملی ملت افغان تفرقه های قومی - زبانی- مذهبی و منطقوی را دامن میزنند و ملت مظلوم افغان عملاً در جنگ تحمیل شده جان- مال و کلبه های محقر و گلی خود را در حملات انتحاری دهشت افگنان و

بمباردانه‌های غیرمسئولانه نظامیان خارجی از دست می‌دهند - نظامیان خارجی و افغانی در یک دوربنای تاریک و هدف نامعلوم و نامشخص جانهای شیرین خود را بنام مبارزه در مقابل به اصطلاح تروریستها و توسعه دیموکراسی قلابی آقای جورج دبلیو بوش در افغانستان قربانی و فامیل‌ها و هموطنان خود را در غم و اندوه قرار می‌دهند و اکثریت ملت افغان در بلندترین سطح گراف بیسواد - بیدانسی و فقر قرار داشت و ملت افغان از نگاه ذهنی و عینی آماده پذیرش دیموکراسی واقعی - بازار آزاد و انتخابات نبود اشغالگران با فهم مشکلات مسلط فوق الذکر در افغانستان نباید بعد از صرف صدها بلیون دالر در هشت سال گذشته بار دیگر بنام مبارزه علیه تروریسم که اصلاً منته افغانی نداشت صرف اهداف شوم جوپولیتیکی - ستراتیجیکی و تطبیق دیموکراسی قلابی آقای جورج دبلیو بوش در افغانستان و منطقه بود انتخابات ۲۰ اگست سال جاری را بعد از زد و بندهای زیاد و تأخیر آن با وقاحت و قیاحت آن برای تعیین زعیم آینده دلخواه خود در افغانستان براه می‌انداختند و ملت مظلوم و ستمدیده افغان و خود را یکبار دیگر توهین و تحقیر می‌کردند.

بلی جای تردیدی نیست که در دوره های سیاه و خود کامه تنظیمی ها و طالبان تمام زیربنای اجتماعی - اقتصادی - سیاسی و نظامی بکلی محو و نابود گردیده بود و دولت دست نشانده آقای جورج دبلیو بوش که بعد از حادثه المناک یازده سپتمبر نیویارک به قدرت رسید زندگی نوین را از صفر در ساحات اجتماعی - اقتصادی - سیاسی و نظامی آغاز کرد یعنی ادارات دولتی را که در دوره سیاه (۱۹۹۲-۱۹۹۶م) به غارت برده شده بود مجدداً با صرف بلیونها دالر امدادی احیاء کرد - قانون اساسی با نواقص زیاد آن تدوین گردید - دروازه های پوهنتون ها بدون در نظر داشت نیازمندی به قوای بشری جامعه افغانی و موجودیت تعمیر - استادان ورزیده - مواد و لوازم درسی و همچنان مکاتب انات و نکور بی معلم - بی تعمیر - بی چوکی و بی میز - بدون کتاب و قلم در هرکنج و کنار کشور گشوده شد - انتخابات دوره اول ریاست جمهوری بسیار به عجله صورت گرفت - انتخابات ولسی جرگه و شوراهای ولایتی صورت گرفت - قوای نظامی و امنیتی بیکیفایت و بی دفاع نسبی سازماندهی گردید - رسانه های خبری توسعه پیدا کرد - بازار آزاد بدون در نظر داشت حاکمیت قانون و وضع اجتماعی و اقتصادی کشور و دسایس دشمنان عملاً ترویج پیدا کرد - برای زنان افغان در عوض حق مساوی با مردان % ۴۰ حق داده شد و صدها حزب بدون شعور سیاسی و اهداف مشخص در سراسر کشور تاسیس گردید.

اما ملت ستمدیده و بدبخت که با ختم دوره طالبان امید و ارزوهای شان ایجاد صلح - امنیت - وحدت ملی برای حاکمیت ملی - آزادی - دیموکراسی واقعی - حاکمیت قانون - تساوی حقوق مرد و زن - مبارزه در مقابل فساد اداری - محوه کشت خشکاش و قاچاق مواد مخدره - انکشاف کشور در سکتورهای مختلف حیاتی و ضروری - مساعد ساختن زمینه های کار و کاریابی برای امرار حیات و آینده درخشان و شگوفان مادروطن عزیز بودند به تاریکی های بیشتر سوق داده شدند یعنی صدها سوال گنگ چون موجودیت قوای نظامی سی و شش کشور خارجی بدون تعیین اهداف و مسئولیت های مشخص در وقت و زمان معین - تشکیل قوه های نظامی جداگانه بنامهای ائتلاف - آیساف و ناتو برای مبارزه در مقابل دهشت افغان و تروریستهای مجهالوویه - نبود ستراتیجی و هم آهنگی مشترک بین نظامیان خارجی - عدم همکاری و هم آهنگی بین قوای نظامی خارجی و افغانی - مبارزه با تروریسم - پدیده طالب و طالبانیزم و منابع تمویل کننده آن - مفقود شدن اوسامه بن لادن - تشدید جنگ و انکشاف کشت خشکاش و قاچاق مواد مخدره در مناطق جنوب و جنوب شرقی کشور - اختلاف دولت مردان اضلاع متحده آمریکا و انگلیس بر داشتن قدرت حاکمه در ولایات جنوبی خاصاً ولایت هلمند - شهید شدن هزاران پیر و برنای مظلوم و بیگناه با اطفال معصوم افغان با ویران شدن کلبه های گلی شان در مناطق مختلف افغانستان خاصاً ولایات جنوبی - کشته شدن عساکر خارجی در بیخبری از اهداف واقعی دولت مردان شان - کشاندن جنگ در مناطق ماورای خط سیاه دیورند - سرازیر شدن بلیونها دالر بنام کمک به افغانستان و بازگشت بیش از % ۷۵ آن به جیبهای امداد دهندگان و (ان - جی - او) ها - تشکیل نکردن قوای نظامی ملی و پولیس ملی مجهز، خود کفا و خود دفاع - مجبور نکردن رهبران تنظیمی به پرداخت غرامات جنگی برای اعمار مجدد شهر مخروبه کابل و جبران خسارات فامیلهای متضرر شده - معرفی بازار آزاد در شرایط ناسازگار افغانستان - به محاکمه نکشاندن ناقصین حقوق بشر و جنایتکاران جنگی - فیصله نکردن موضوع غرامات جنگی با دولت فدراسیون روسیه و سهم ندادن روسیه در بازسازی افغانستان - کم رنگ نشان دادن کمکها اقتصادی و مالی دولت چین در امر بازسازی افغانستان و غیره... و غیره. بالاخره براه انداختن انتخابات دور دوم ریاست جمهوری در حالت نا امن و عدم حاکمیت قانون در کشور بود که هر افغان با احساس - با شعور و وطن دوست را مستغرق دنیائی از اندیشه ها و دوربنای نهایت تاریک و وقوع فجایع دردناک و خطرناک ساخت.

حضور هموطنان عزیز و گرانقدر باید عرض شد که امروز ملت افغان مخصوصاً دانشمندان کشور در آزمون بس مهم و حیاتی قرار دارند و وظیفه فرد فرد ملت ستم کشیده و بلاکشیده مخصوصاً دانشمندان با درد - با احساس و وطن دوست بیطرف است که از درایت و هوشیاری تام کار گرفته و مادروطن عزیز خود را از دست عده ای محدود و ظنفروشان قدرتطلب و دشمنان خارجی نجات داده و سرنوشت مادروطن را بدست خود گیرند و نگذارند که

خدانخواستہ بعد از اعلان نتایج آخری انتخابات از طرف کمیسیون سمع شکایات مادروطن عزیز ما بطرف بدبختی و فجاج بیشتر سوق داده شود که ما به شرایط دیروز و امروز شکر کنیم.

هموطنان عزیز ببینید تصور کنید که انتخابات با چشم پوشی از تمام تخطیها - تخلفها و تقلبها مشروع اعلان و یکی از دو نفر که بلندترین آرا را از آن خود ساخته باشد بحیث برنده اعلان شود عواقب آن در شرایط کنونی کشور و مداخلات طرفداران داخلی و خارجی طرف مقابل چه خواهد بود و آیا مشروعیت خواهد داشت؟

و یا با فرض محال انتخابات غیر مشروع اعلان و انتخابات به دور دوم کشانده شود با قبول اینکه در دور دوم تخطیها - تخلفها و تقلبها نسبی کم باشد آیا رای دهندگان علاقه خواهند گرفت که بار دیگر به پای صندوق های رای بروند و رای خود را به یکی از دو نفر اول بدهند و اگر رای بدهند تعداد و یا فیصدی رای دهندگان مخصوصاً از مناطق جنوبی و جنوب شرقی که بکلی نا امن است کافی خواهد بود که منعکس کننده اراده اکثریت ملت باشد و مشروعیت داشته باشد؟

در حالت سومی اگر کمیسیون سمع شکایات انتخابات را غیر مشروع اعلان و تقاضای دور دوم انتخابات را کند و آقای کرزی رفتن انتخابات را بدور دوم قبول نکند و موضوع را برای فیصله نهایی چون تأخیر انتخابات در افغانستان و انتخابات دور اول جارج دبلیو بوش و آقای الگور برای فیصله نهایی به ستره محکمه بسپارد و در آنجا بنفع آقای کرزی فیصله شود عواقب آن چه خواهد بود و آیا مشروعیت خواهد داشت؟

در حالت چهارم اگر قدرتهای خارجی و کاندیدان محترم به توافق برسند که یک دولت ائتلافی را از کاندیدان محترم - جنگسالاران - قاچاقبران مواد مخدره و جنایتکاران بسازند تصور خواهد شد که در کشور صلح - امنیت - حاکمیت قانون - عدالت اجتماعی و دیموکراسی واقعی برقرار و بالاخره مادروطن عزیز ما بطرف آزادی - حاکمیت ملی - شگوفانی و آینده درخشان برود؟

جواب من برای هر چهار سوال مطرح شده فوق نخبیر است یعنی یکی از چهار دور بنا بخیر ملت قهرمان - مادروطن عزیز ما افغانستان و جوامع جهانی نبدخل در افغانستان نیست و نخواهد بود و فجاج دردناک و جبران ناپذیری در قبال خواهد داشت فلذا به عقیده من آنچه بخیر و صلاح ملت افغان و یکپارچگی افغانستان عزیز و جوامع جهانی خواهد بود اینست که در شرایط کنونی یک حکومت مؤقت با قاعده وسیع بدون در نظر داشت قوم - مذهب - منطقه و زبان به استثنای جنگسالاران - جنایتکاران و قاچاقبران مواد مخدره سی سال اخیر که متشکل از دانشمندان با احساس - وطندوست بادر - آگاه و با تقوا باشند برای مدت سه الی چهار ماه تشکیل و کمیسیون مستقل بیست نفری بیطرف از دانشمندان آگاه از قضایا و وطندوست که وقتاً فوقتاً نظریات تحریری بیطرفانه و ارزشمند خود را برای ایجاد صلح - امنیت - حاکمیت ملی - حاکمیت قانون - وحدت ملی - یکپارچگی و آزادی - خوشبختی و شگوفانی افغانستان عزیز تحریری ارائه داشته اند تأسیس تا همه نظریات ارائه شده را با در نظر داشت شرایط مسلط در افغانستان و اهداف کشورهای منطقه و جهان نبدخل در قضایای افغانستان تحت غور و مذاقه عمیق قرار داده از لابلای آن پیشنهادی را ترتیب نمایند که عملی و طرف قبول ملت افغان و جوامع جهانی خاصتاً ملل متحد باشد که البته یکی از پیشنهادات "پیشنهاد تغییر بنیادی در دولت افغانستان" پیشنهاد مفصل و مدلل من است که بتاريخ ۲۰ دسمبر ۲۰۰۸م بحضور هموطنان عزیز و با ترجمه انگلیسی آن به توجه اکثر رهبران جهان رسانیده شده و همچنان پیشنهادات عده ای از دانشمند وطندوست دیگری که نیز با من هم عقیده و مخالف انتخابات ریاست جمهوری بودند نیز در آرشیفهای ویب سایتهای مختلف موجود است که در صورت ضرورت به اختیار کمیسیون گذاشته خواهد شد. سپس بعد از ترتیب پیشنهاد جامع و همه جانبه از طرف کمیسیون مؤلف برای حل قضا یا در افغانستان موضوع از طرف دولت مؤقت در کانفرانس بین المللی پیشنهاد شده مؤرخ ۶ سپتمبر صدراعظم بریتانیا و چانسلر المان که در اخیر همین سال و مصادف با ختم حکومت مؤقت خواهد بود پیش بینی گردیده مطرح و فیصله نهایی در مورد حل قضایا در افغانستان اتخاذ گردد همچنان باید متذکر شد که هر تصمیم یکجانبه جامه عمل نخواهد پوشید مگر اینکه کمیسیون مؤلف و کانفرانس بین المللی بیک توافق نظر واحد برسند فلذا وظیفه کمیسیون مؤلف و حکومت مؤقت است که وظایف خود را قیل از دایر شدن کانفرانس بین المللی بادرک مسؤولیت های ملی و تاریخی چنان انجام نمایند که اسمای شان در تاریخ کشور به خط زرین درج گردد در غیر آن نه تنها کمیسیون مؤلف و حکومت مؤقت شرم و ننگ ابدی ملت افغان خواهند بود بلکه نسل امروزی و فردا را به عواقب ناگوار جبران ناپذیر مواجه خواهند ساخت.

قابل تذکر است که بعضی از هموطنان با درد و احساس ما گاهگاهی دایر شدن لویه جرگه عنعنوی را برای حل بحران مادروطن عزیز ما پیشنهاد میفرمایند که من در شرایط کنونی بنا بر نبود وحدت ملی - نبود امنیت در کشور - نفوذ و قدرت بی حد و حصر زورداران و زرداران و مداخلات علنی کشورهای خارجی نبدخل در افغانستان لویه جرگه عنعنوی را بخیر و صلاح مادروطنم نمی بینم فلذا در عوض پیشنهاد دایر شدن لویه جرگه ممائل چهارصد نفری و کانفرانس بین الافغانی صد نفری را که متشکل از اشخاص دانشمند - آگاه - وطندوست و بیطرف از سراسر کشور خواهند بود و هر دو مشترکاً نسبی بدون نفوذ خارجیها - زورداران و زرداران نمایندگی از ملت افغان خواهند کرد را بحضور هموطنان گرانقدر در پیشنهاد فوق الذکر خود به تفصیل پیشکش نموده ام تا در کانفرانس بین الافغانی بر موضوعات پیشنهاد شده غور و بعد از توافق با تشکیل یک دولت انتقالی چهار الی پنجسال توافق حاصل و سپس

فیصله های لویه جرگه مماثل در عمل تطبیق و راه برای انتخابات دیموکراتیک شفاف که از هر نگاه مشروعیت داشته باشد هموار گردد. من نمیخواهم بگویم که پیشنهاد اینجانب یگانه نسخه برای حل مشکل افغانستان است نخیر من به نظریات همه دانشمندان با درد و وطندوست هموطنم احترام میگذارم آرزومندم از مجموع پیشنهادات مطرح شده کمیسیون مؤظف یک پیشنهاد واحد را ترتیب و به ملت نجیب افغان و جوامع بین المللی پیشکش نماید تا به لطف خداوند (ج) با کشودن صفحه سفید آنچه در آن به خط زرین تحریر شود که مایه افتخار نسلهای امروزی و فردای افغان باشد و افغانستان در جهان بحیث یککشور آزاد- مستقل- صلحدوست و مترقی جایگاه عالی داشته باشد. و من الله توفیق.

پایان

---

تعداد صفحات: ۴ از ۴

افغان جرمن آنلاین شما را صمیمانه به همکاری دعوت می نماید. لطفاً به آدرس ذیل با ما تماس بگیرید [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
نوت: مسئولیت املائی و انشائی نوشته ها به دوش خود نویسنده میباشد، خواهشمندیم مطلب خود را بعد از غور کامل بما ارسال بدارید.